

بررسی اثرهای کیفیت محیط نهادی و وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی

اصغر مبارک

دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

k-kiani@srbiau.ac.ir

کامبیز هژبر کیانی

استاد گروه اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

memarnejad@srbiau.ac.ir

عباس معمارنژاد

استادیار گروه اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

k.peykarjou@srbiau.ac.ir

کامبیز پیکارجو

استادیار گروه اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۸

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۶

چکیده: در سال‌های اخیر، عوامل موثر بر رشد اقتصادی از عوامل مطرح‌شده در نظریه‌های رشد مرسوم فراتر رفته‌اند و عوامل نهادی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. این که چرا برخی کشورها از نظر عملکرد اقتصادی به سمت کشورهای ثروتمند همگرایی دارند، پرسشی است که از دیرباز ذهن اقتصاددانان را به خود مشغول داشته است و پاسخ به این پرسش، اساس شکل‌گیری الگوهای رشد اقتصادی محسوب می‌شود. در این پژوهش، بر اساس تقسیم‌بندی کشورها از لحاظ توسعه‌یافتگی، این مسئله بررسی شده است که کدام‌یک از متغیرهای نهادی در تاثیر بر رشد اقتصادی از اولویت بیش‌تری برخوردارند. در پژوهش حاضر، با استفاده از رویکرد داده‌های سیستمی پویا، ابتدا پدیده نفرین منابع در کشورهای مورد مطالعه بررسی شده و سپس با استفاده از متغیرهایی همچون متغیرهای محیط نهادی، سرمایه انسانی و سایر متغیرهای کنترلی تاثیر گذار بر رشد اقتصادی تحلیل شده است. در این پژوهش دو گروه از کشورهای گروه هفت و هشت مورد مطالعه قرار گرفته است که برای دوره زمانی ۲۰۱۶-۱۹۹۵ مورد برآورد و تحلیل قرار می‌گیرند. تحلیل ضرایب تحقیق در کشورهای مورد مطالعه نشان‌دهنده آن می‌دهند که پدیده نفرین منابع طبیعی در کشورهای گروه هشت تایید شده و برای دیگر کشورهای گروه هفت تایید نشده است. از طرفی تحلیل نتایج ضرایب متغیرهای مدل‌های مختلف نشان می‌دهند که پایین بودن ساختار نهادها و سطح توسعه سرمایه انسانی منجر به تشدید پدیده نفرین منابع در کشورهای مورد مطالعه شده است.

کلیدواژه‌ها: محیط نهادی، نفرین منابع، سرمایه انسانی، رشد اقتصادی، موجودی سرمایه، حکمرانی خوب.

طبقه‌بندی JEL: C330, O130, Q380

مقدمه

منابع طبیعی و مسائل زیست‌محیطی دیگر در الگوی سولو در نظر گرفته نشده‌اند. اما دست کم از زمانی که مالتوس بحث کلاسیک خود را ارائه کرد، بسیاری بر این باورند که این مسائل از نظر امکان رشد بلندمدت اهمیت دارند. برای نمونه، مقدار نفت و منابع طبیعی در کره زمین ثابت هستند. یکی از معماهای اقتصاد توسعه، نقش و تاثیر منابع و ثروت‌های طبیعی در رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی است. اقتصاد دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی، گمان می‌کردند که کشورهای صاحب منابع طبیعی، به راحتی می‌توانند بر مشکل کمبود پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ناکافی فائق آیند و با درآمد حاصل از صدور منابع طبیعی، فشار بزرگ را برای صنعتی شدن ایجاد کنند. تجربه ناموفق کشورهای اوپک و دیگر کشورهای در حال توسعه صاحب منابع طبیعی در رسیدن به سطوح بالاتر درآمد سرانه، شک و تردید جدی بر موفقیت راهبرد توسعه متکی بر منابع طبیعی انداخت. در قرن نوزده و نیمه اول قرن بیستم میلادی، پژوهش‌های تجربی بسیاری منابع طبیعی را به عنوان موتور رشد اقتصادی معرفی می‌کنند. اما از دهه ۱۹۹۰ بیش‌تر پژوهش‌های تجربی، وفور منابع را باعث کندی رشد اقتصادی می‌دانند که گواه چنین یافته‌ای، کشورهای در حال توسعه‌ای است که با وجود منابع طبیعی غنی، دارای رشد اقتصادی پایین‌تری نسبت به کشورهای فاقد این منابع هستند. اما به لحاظ نظری و با اتکا بر ادبیات اقتصادی، از یک سو وفور منابع به صورت مستقیم و ذاتی نمی‌تواند باعث عقب‌ماندگی یک اقتصاد شود؛ چرا که یک منبع درآمدی عظیم امتیاز ویژه برای اقتصاد کشورهای دارای منابع خدادادی به‌شمار می‌رود که در مقایسه با هزینه دستیابی آن دارای درآمد بسیار بالایی است. از سوی دیگر، ثروت که منبع طبیعی، یکی از بهترین مصادیق آن است، یک عامل تعیین‌کننده در روان‌سازی سیستم و چرخ‌های اقتصادی به‌شمار می‌آید و نقش مهمی در رشد اقتصادی دارد (Kaufmann et al., 2009). این الگوها عامل تفاوت در درآمد سرانه کشورها را اختلاف در انباشت سرمایه و بهره‌وری بیان می‌کنند که این موضوع به طرح پرسش‌های عمیق‌تری منجر می‌شود؛ مانند این که چرا برخی از کشورها نسبت به برخی دیگر در سرمایه انسانی و فیزیکی بیش‌تر سرمایه‌گذاری می‌کنند؟ یا چرا برخی از کشورها نسبت به برخی دیگر از بهره‌وری بالاتری برخوردارند؟ طرح چنین پرسش‌هایی به همراه شواهد تجربی برخی کشورها، به نظریه‌های جدیدی در ادبیات رشد اقتصادی منجر می‌شود که رشد اقتصادی را تنها محدود به عوامل اقتصادی نمی‌دانند. از جمله این نظریه‌ها، اقتصاد نهادگرایی جدید است که عامل نهادی را وارد تحلیل‌های رشد می‌کند و عواملی نظیر نظام سیاسی، رفتار حاکمان، سیاست‌های

عمومی، فرهنگ، و مذهب را که در الگوهای پیشین رشد مفروض گرفته می‌شدند، از عوامل مهم تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها معرفی می‌کنند؛ زیرا نهادها را شکل‌دهنده محیط اقتصادی در کشورها می‌دانند و عامل اصلی عقب‌ماندگی برخی کشورها را نه کمبود سرمایه، بلکه نبود بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی مولد بیان می‌کنند (Rodrik et al., 2004). همان‌طور که در ادبیات مطرح می‌شود، شناخت اشکال مختلف نهادها و کانال‌های اثرگذاری آنان بر عملکرد اقتصادی مهم‌تر از خود نهادهاست، چرا که نهادها به‌خودی‌خود باعث رشد اقتصادی نمی‌شوند، بلکه به واسطه اثرگذاری بر عوامل مستقیم تولید و برخی عوامل دیگر، باعث بهبود در رشد اقتصادی می‌شوند (Zhuang et al., 2010). وفور منابع طبیعی نیز به‌خودی‌خود برای کشورها نعمتی است و می‌تواند در روان‌سازی چرخه فعالیت‌های اقتصادی تعیین‌کننده باشد، و این ساختار اقتصادی حاکم بر کشورهاست که نحوه استفاده از وفور منابع را به انحراف می‌کشانند و موجب بروز بلای منابع طبیعی می‌شود. در این راستا، اقتصاددانان برای تبیین بلای منابع، کانال‌هایی را که وفور منابع از راه آن‌ها زمینه را برای کندی رشد اقتصادی فراهم می‌نمایند، مورد بحث قرار می‌دهند (مبارک و آذربون، ۱۳۸۸). کیفیت نهادی یکی از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری وفور منابع بر رشد اقتصادی است (عبادی و نیکونسبتی، ۱۳۹۱). برخی از اقتصاددانان همانند مهلوم و همکاران (۲۰۰۶)، معتقدند که کارفرمایان و فعالان اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی، بین رانت‌جویی و فعالیت‌های سودمند و مولد اقتصادی یکی را انتخاب می‌کنند. سودمندی نسبی این فعالیت‌ها به میزان شاخص‌های کیفیت نهادی همانند حاکمیت قانون و اثربخشی دولت، کنترل فساد، حق اعتراض، و پاسخگویی بستگی دارد. کیفیت نهادی بالا به موقعیتی منجر می‌شود که در آن فعالان اقتصادی به فعالیت‌های مولد می‌پردازند، در حالی که کیفیت نهادی پایین به گرایش رانت‌جویی منجر می‌شود. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که منابع فقط در جایی به صورت بلا درمی‌آیند که کیفیت نهادی ضعیف باشد. بنابراین، کیفیت نهادی می‌تواند در نحوه استفاده از وفور منابع طبیعی و در رشد اقتصادی نقش تعیین‌کننده ایفا نماید.

مروری بر ادبیات اقتصادی نشان می‌دهد، برخلاف این که کیفیت نهادی در نحوه استفاده از وفور منابع و تبدیل آن به فرصت (نعمت) یا بلای طبیعی (نقمت)، نقش مهمی ایفا می‌نماید و از این راه، بر رابطه بین وفور منابع و رشد اقتصادی اثرگذار است، خود کیفیت نهادی نیز می‌تواند تحت تاثیر وفور منابع طبیعی قرار گیرد. به‌طوری که وفور منابع طبیعی می‌تواند سطح کیفیت نهادی را کاهش دهد و از این کانال، رشد اقتصادی را به‌طور منفی تحت تاثیر قرار دهد. به‌طور کلی در ادبیات اقتصادی،

سه رویکرد مختلف در خصوص ارتباط کیفیت نهادی و بلای منابع طبیعی وجود دارد: فراوانی منابع طبیعی موجب آسیب رساندن به کیفیت نهادی می‌شود و مقادیر شاخص‌های آن را کاهش می‌دهد (Kaufmann et al., 2009). این رویکرد که مبنای کار بسیاری از پژوهش‌های پیشین است، مدعی است که مهم‌ترین دلیل بلای منابع طبیعی، پایین بودن کیفیت نهادی در کشورهای غنی از نظر منابع طبیعی است. برای مثال، راس^۱ (۱۹۹۹)، معتقد است که وابستگی به نفت، موجب کاهش دموکراسی می‌شود. در واقع در این رویکرد، به اثرهای منفی غیرمستقیم و فور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی (از کانال کیفیت نهادی) تاکید می‌شود. به طوری که این دیدگاه معتقد است و فور منابع، باعث کاهش کیفیت نهادی می‌شود و از آن‌جا که کیفیت نهادی با رشد اقتصادی رابطه مثبت دارد، در نهایت و فور منابع طبیعی موجب کندی رشد اقتصادی می‌شود. این رویکرد در کشورهای در حال توسعه بیش‌تر مصداق دارد و برای کشورهای توسعه‌یافته برخورداری از منابع طبیعی، چندان موضوعیت ندارد.

رویکرد دوم رابطه خاصی بین کیفیت نهادی و و فور منابع طبیعی قائل نیست. زاکس و وارنر^۲ (۱۹۹۵)، از مهم‌ترین افراد این گروه هستند که در پژوهش‌های خود تاثیر کیفیت نهادی را در توضیح بلای منابع رد می‌کنند. از دیدگاه ایشان، کیفیت نهادی نقش توضیح‌دهنده‌ای در خصوص بلای منابع ندارد، بلکه عامل اصلی از نظر آن‌ها بیماری هلندی^۳ است. به‌طور خلاصه، این رویکرد دلالت دارد بر این مهم که و فور منابع طبیعی اثر معناداری بر کیفیت نهادی ندارد و کیفیت نهادی، متاثر از عوامل دیگری است. از این‌رو، طرفداران این دیدگاه معتقدند که و فور منابع طبیعی نمی‌تواند از کانال کیفیت نهادی، رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد.

و فور منابع به همراه کیفیت نهادی ضعیف، موجب بلای منابع طبیعی می‌شود. از منظر این رویکرد هرچند ممکن است و فور منابع طبیعی موجب کاهش کیفیت نهادی نشود، در نتیجه، آن‌چه که رشد را تحت تاثیر قرار می‌دهد، ترکیبی از دو عامل نهادی و و فور منابع است. به عبارت دیگر، در این رویکرد، بر نقش کیفیت نهادی در رابطه بین و فور منابع طبیعی و رشد اقتصادی تاکید می‌شود. این رویکرد متفاوت از رویکرد اول است، به طوری که در این دیدگاه، چگونگی اثر و فور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی به کیفیت نهادی بستگی دارد. چنانچه کشورهای دارای و فور منابع طبیعی از سطح کیفیت نهادی ضعیف برخوردار باشند، در این صورت، و فور منابع طبیعی به بلای طبیعی منجر می‌شود. در نتیجه، چنانچه کشورهای دارای منابع طبیعی از سطح کیفیت نهادی بالاتر برخوردار

1. Ross
2. Sachs & Warner
3. Dutch Disease

باشند، در این صورت وفور منابع طبیعی به فرصت تبدیل می‌شود. بنابراین، آنچه که وفور منابع طبیعی را به فرصت یا بلائی منابع تبدیل می‌کند، کیفیت نهادی است. در واقع در این رویکرد، وفور منابع طبیعی به خودی خود عامل منفی برای رشد اقتصادی تلقی نمی‌شود و این که آیا وفور منابع به بلائی طبیعی منجر می‌شود یا رشد اقتصادی را تسریع می‌کند، به کیفیت نهادی کشور بستگی دارد. کیفیت نهادی، تعیین‌کننده اثرهای وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی است.

از آن‌جا که کیفیت نهادی در چگونگی استفاده از نفرین منابع طبیعی و تبدیل آن به فرصت یا بلائی منابع نقش تعیین‌کننده دارد و یکی از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری نفرین منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی تلقی می‌شود (Acemoglu et al., 2014). از این‌رو، از جمله موضوع‌های مهمی که برای تبیین تناقض وفور در کشورهای متکی بر منابع مطرح می‌شود، چگونگی اثرگذاری نفرین منابع طبیعی از کانال کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی گروه هشت کشور اسلامی در حال توسعه (D8) است. تفاوت فراوان کشورها در رشد و رفاه اقتصادی، از جمله پرسش‌هایی است که پژوهشگران در پی پاسخ به آن هستند. رویکرد نهادی از نهادها به عنوان عامل بنیادین تفاوت کشورها در خصوص رشد و توسعه یاد می‌کند (Acemoglu et al., 2014). تاثیر کیفیت نهادی بر توسعه اقتصادی، محور اصلی پژوهش‌های فراوانی در سال‌های اخیر است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به هال و جونز (۱۹۹۹)، عجم‌وگلو و همکاران (۲۰۱۴)، و رودیک و همکاران (۲۰۰۴) اشاره کرد. برخلاف آن که این پژوهش‌ها با رویکردها، شاخص‌ها، دوره‌های زمانی، و نمونه‌های گوناگونی صورت گرفته‌اند، نتایج همه آن‌ها حاکی از اهمیت نهادها در فرایند توسعه و رشد اقتصادی است (متوسلی و نیکونستی، ۱۳۹۰؛ ویلیامسون، ۱۳۸۱؛ دادگر، ۱۳۸۶). مروری بر نظریه‌های کلاسیک اقتصاد دلال بر آن دارد که بین وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی، رابطه مثبت وجود دارد و بر اساس نتایج پژوهش‌های پیشین تا اواسط قرن بیستم، وفور منابع طبیعی همواره سبب تسهیل رشد اقتصادی می‌شود. اما در نیم قرن اخیر، یافته‌ها و مشاهده‌های پژوهش‌های جدیدی در این زمینه تا حدودی برخلاف نگرش کلاسیک هستند. گروهی از اقتصاددانان همانند زاکس و وارنر (۱۹۹۹الف)، به وجود رابطه منفی بین رشد اقتصادی و منابع طبیعی باور دارند و از آن به عنوان بلائی منابع طبیعی یاد می‌کنند.

برای این منظور در این پژوهش، شاخص‌های نهادی، (نهادهایی که قدرت اقتصادی-سیاسی و اجتماعی در یک جامعه از راه آن‌ها اعمال می‌شود)، در کنار شاخص‌های نفرین منابع و سایر

1. Hall & Jones
2. Natural Resource Curse

عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مورد بررسی قرار می‌گیرد و به تبعیت از آغازگران رویکرد اقتصاد نهادگرایی، شکل توسعه یافته مدل نئوکلاسیکی سولو را برای پانزده کشور در حال توسعه (شامل اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر، و نیجریه)، و توسعه یافته (شامل آلمان، ژاپن، ایتالیا، انگلیس، آمریکا، کانادا، و فرانسه)، بر اساس شکل پایه‌ای مدل منکیو و همکاران^۱ (۱۹۹۲)، در قالب الگوهای اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی پویا با رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته بکار می‌گیریم، و به پرسش اصلی پژوهش پاسخ دهیم که آیا اثرگذاری متغیرهای نهادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با توجه به وجود نفرین منابع بر رشد اقتصادی در دوره زمانی ۲۰۱۶-۱۹۹۵ متفاوت است؟ در نهایت، این پژوهش در بخش‌های مختلفی مانند مبانی نظری، الگوهای مختلف رشد اقتصادی، مفهوم نهادها، نفرین منابع، بیان فرضیه‌ها، ارائه مدل پژوهش، تحلیل نتایج آماری، و استنتاج و نتیجه‌گیری پژوهش ادامه می‌یابد.

مبانی نظری پژوهش

با توجه به این که منابع طبیعی همانند نیروی کار و سرمایه، عوامل اساسی تولید محسوب می‌شوند، از این رو انتظار می‌رود که نفرین آن به‌طور ذاتی موجب تسهیل و تسریع رشد اقتصادی شود؛ به طوری که پژوهش‌های تجربی در قرن نوزده و نیمه اول قرن بیستم میلادی، منابع طبیعی را به عنوان موتور رشد اقتصادی معرفی می‌کنند (Barro & Lee, 2005). این در حالی است که از اواسط قرن بیستم تا کنون، یافته‌های تجربی برخلاف این نظریه است و در این پژوهش‌ها از نفرین منابع، به عنوان عامل کندی رشد اقتصادی یاد می‌شود. به عبارت دیگر، شواهد تجربی دلالت بر این دارد که اغلب کشورهای ثروتمند از لحاظ منابع طبیعی، به‌طور متوسط شاهد رشد اقتصادی کندتری نسبت به کشورهای فاقد چنین منابعی هستند. این پارادوکس نفرین منابع طبیعی برای اولین بار در پژوهش تجربی زاکس و وارنر (۱۹۹۹ الف)، مطرح و تبیین شد و بعدها این موضوع در پژوهش‌های تجربی متعددی همانند زاکس و وارنر (۱۹۹۹ ب؛ ۱۹۹۷)، گیلفاسون^۲ (۲۰۰۱)، اتکینسون و همیلتون^۳ (۲۰۰۳)، پاپیراکس و گرلاف^۴ (۲۰۰۴) مورد بحث و بررسی قرار گرفت. از این رو، اقتصاددانان سعی می‌کنند که دلایل وجود رابطه منفی بین نفرین منابع و رشد اقتصادی را مورد تبیین قرار دهند و در

1. Mankiw *et al*
2. Gylfason
3. Atkinson & Hamilton
4. Papyrakis & Gerlagh

این راستا، دلایل مختلفی برای تبیین پدیده بلای منابع طبیعی طرح می‌شود که برخی از این دلایل به صورت زیر هستند:

الف. یکی از مهم‌ترین علل اقتصادی اظهارشده در این خصوص، پدیده بیماری هلندی است. در کشورهای صادرکننده منابع طبیعی، بخش‌های تولیدی تجارت‌پذیر به غیر از بخش منابع طبیعی (برای مثال بخش صنعت)، از رونق بخش منابع و افزایش ارزش پول ملی متضرر می‌شوند. چرا که درآمد منابع طبیعی با افزایش قیمت، در بخش‌های تجارت‌ناپذیر داخلی جذب می‌شود و عوامل تولید به منظور کسب سود بیش‌تر از بخش‌های مولد تجارت‌پذیر به این بخش‌ها سوق پیدا می‌کنند. این چرخه معیوب به تضعیف بخش‌های تولیدی همانند صنعت و کاهش توان صادراتی آن‌ها منجر می‌شود.

ب. وفور منابع طبیعی به ساختار اقتصادی متکی بر درآمدهای صادراتی آن‌ها منجر می‌شود که به اقتصاد در قبال شوک‌های برون‌زای قیمت منابع آسیب می‌زند و در نتیجه این بی‌ثباتی‌ها رشد اقتصادی کندتر می‌شود. همچنین، نوسان قیمت جهانی منابع طبیعی، تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی را با نااطمینانی مواجه می‌کند و نااطمینانی باعث افزایش ریسک و کاهش انباشت سرمایه می‌شود (Sachs & Warner, 1997).

پ. در برخی اقتصادهای دارای منابع طبیعی غنی، رفتارهای رانت‌جویانه^۱ رونق دارد. فساد اقتصادی در بخش خصوصی و دولت، ناکارآمدی نظام اداری و حمایت شدید از تولید داخلی و شرکت در فعالیت‌های رانت‌جویانه است. پیامدهای اصلی رفتارهای رانت‌جویانه در پدیده‌هایی از قبیل اختلال در تخصیص منابع، کاهش فعالیت‌های مولد، کاهش کارایی اقتصادی، افزایش نابرابری اجتماعی، و کندی رشد اقتصادی نمود می‌یابد.

ت. کاهش بلندمدت در قیمت‌های واقعی منابع طبیعی، ضمن ایجاد وابستگی فزاینده و شکل‌گیری اقتصادهای تک‌محصولی، این کشورها را از منابع مالی قابل‌اتکا در دوره‌های بلندمدت محروم می‌سازد. ث. رانت ناشی از وفور منابع طبیعی از یک طرف موجب رضایت خاطر و غفلت دولتمردان می‌شود و با پوشاندن ناکارآمدی‌های اقتصادی و اجتماعی، انگیزه‌های لازم را برای اصلاحات اقتصادی و بهبود کارایی و بهره‌وری اقتصاد از بین می‌برد. از سوی دیگر، این پدیده اغلب منجر به افزایش مصرف‌گرایی می‌شود که در دولت‌ها به صورت کسری بودجه و در سایر اجزای تقاضای نهایی مانند خانوارها به صورت فزونی سطح تقاضا و مصرف بر تولید و عرضه داخلی ظاهر می‌شود.

نفرین منابع طبیعی، رشد اقتصادی، و کیفیت نهادی

همان‌طور که در بالا اشاره شد، نفرین منابع طبیعی به‌خودی‌خود برای کشورها نعمت است و می‌تواند در روان‌سازی چرخه فعالیت‌های اقتصادی تعیین‌کننده باشد و این ساختار اقتصادی حاکم بر کشورهاست که نحوه استفاده از نفرین منابع را به انحراف می‌کشاند و موجب بروز بلای منابع طبیعی می‌شود. در این راستا، اقتصاددانان برای تبیین بلای منابع، کانال‌هایی را مورد بحث قرار می‌دهند که نفرین منابع از راه آن‌ها، زمینه را برای کندی رشد اقتصادی فراهم می‌کند. کیفیت نهادی، یکی از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری نفرین منابع بر رشد اقتصادی است. بنابراین، مطابق ادبیات منابع طبیعی، می‌توان استدلال کرد که نحوه استفاده از منابع طبیعی در نعمت یا نعمت بودن آن نقش بسیار مهم ایفا می‌کند که این امر به مسائل متعددی از جمله کیفیت نهادی کشورها بستگی دارد. کیفیت نهادی به دو شکل ممکن اثرهای نفرین منابع را بر رشد اقتصادی متاثر می‌سازد. از یک طرف، بر اساس شکل اول، نفرین منابع می‌تواند به‌طور مستقیم کیفیت نهادی کشورها را تضعیف و از کانال آن، رشد اقتصادی را کندتر کند. از سوی دیگر، بر اساس شکل دوم، چگونگی کیفیت نهادی کشورها می‌تواند در رابطه بین نفرین منابع و رشد اقتصادی تعیین‌کننده باشد. به‌طوری‌که پایین بودن سطح کیفیت نهادی، استفاده از نفرین منابع طبیعی را به انحراف می‌کشاند، و این انحراف‌ها و استفاده نادرست از نفرین منابع، به کندی رشد اقتصاد منجر می‌شود.

کیفیت نهادی از جمله موضوع‌هایی است که به دلیل تاثیر آن بر رشد اقتصادی کشورهای دارای نفرین منابع طبیعی در سال‌های اخیر، حجم زیادی از پژوهش‌های تجربی را، به‌ویژه در خارج کشور، به خود اختصاص داده است. در این بخش، نتایج پژوهش‌های تجربی پیشین در زمینه موضوع پژوهش، مرور می‌شوند و سازگاری مباحث مطرح‌شده در بخش پیشین پژوهش (نفرین منابع طبیعی، رشد اقتصادی، و کیفیت نهادی)، با نتایج و شواهد تجربی مورد بحث قرار می‌گیرند. از اواسط دهه ۱۹۷۰، الگوی سیاست‌گذاری اقتصادی در جهان به تدریج تغییر می‌کند و عموم کشورهای دنیا مجموعه سیاست‌های تازه‌ای را دنبال می‌کنند. کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق از پایان دهه ۱۹۸۰، سیاست‌هایی را انتخاب کردند که اغلب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه اواخر دهه ۱۹۷۰، آن سیاست‌ها را پذیرفته بودند. مانند خصوصی‌سازی، تبدیل‌پذیری نرخ ارز، کاهش تعرفه‌ها، آزادسازی نظام مالی، مداخله‌های دولت، و حاکمیت بیش‌تر قیمت‌ها در تخصیص منابع اصول کلی سیاست‌های

اقتصادی در دو دهه گذشته. برای بحث دقیق‌تر می‌توان اقتصاد جهانی را به دوران پس از جنگ جهانی دوم تا اواخر دهه ۱۹۷۰ و از دهه ۱۹۷۰ به بعد تقسیم کرد.

نگاهی واقع‌بینانه به وضعیت اقتصادی این دو دوره نشان می‌دهد که عملکرد دوره دوم خوشایند نیست و نرخ رشد اقتصادی بیشتر کشورهای جهان روند کاهشی دارد. شواهد حاکی از این است که سیاست‌های دو دهه گذشته نهادهای بین‌المللی چون بانک جهانی^۱ و صندوق بین‌المللی پول^۲ که مبنای نئوکلاسیکی دارند و بر کشورها تحمیل می‌شوند، به رشد بیش‌تر منجر نشده است و افزایش نابرابری، یکی دیگر از واقعیت‌های اقتصادی دو دهه گذشته است (Stijns, 2006). بنابراین همان‌طور که شاهدیم، سیاست‌های اقتصادی ارائه‌شده از جانب اقتصاددانان نئوکلاسیک نه تنها درد اقتصاد جهانی را، که همانا شکاف درآمدی بین کشورهای فقیر و غنی است، التیام نمی‌بخشد؛ بلکه آن را تشدید می‌کند. از این‌رو، امروزه بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته، هنوز هم از مشکل فقر اقتصادی رنج می‌برند و هر روز بر شکافشان با کشورهای غنی افزوده می‌شود. این موضوع، تعمق و تحول در ادبیات اقتصادی را می‌طلبد؛ زیرا ادبیات اقتصاد مرسوم در شناخت معضل کشورهای توسعه‌نیافته توفیق چندانی ندارد.

اقتصاد نهادگرایی جدید^۳ با تاکید بر اهمیت نهادها در ایجاد انگیزش برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مولد اقتصادی سعی می‌کند که با افزودن عوامل نهادی^۴ به الگوی اقتصادی، نقص الگوهای نئوکلاسیک را برطرف کند و با شناخت دقیق عوامل رشد اقتصادی، اقدام به ارائه سیاست‌های مناسب در جهت کاهش شکاف درآمدی بین کشورها کند. طیفی از اقتصاددانان، که تحت عنوان اقتصاددانان نهادگرا از آنان یاد می‌شود، گرچه در این باور اشتراک دارند که نهادها نقش مهمی در عملکرد اقتصادها ایفا می‌کنند، اما در مورد تعریف نهادها و چگونگی ارتباط اقتصاد نهادگرا با اقتصاد نئوکلاسیک، با هم اختلاف دارند. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان نهادگرایان قرن بیستم را در دو دسته نهادگرایان قدیم و جدید جای داد. معیار این دسته‌بندی بیش از آن که زمانی باشد، به درک آنان از چگونگی ارتباط اقتصاد نهادگرا و اقتصاد نئوکلاسیک مربوط می‌شود. نهادگرایان قدیمی از قبیل ویلن^۵ و کامونز^۶، اقتصاد نهادگرا را به‌طور عمده جانشین اقتصاد نئوکلاسیک می‌دانستند؛ در حالی

1. World Bank
2. International Monetary Fund
3. New Institutional Economics
4. Institutional Factor
5. Veblen
6. Commons

که نظریه پردازان اقتصاد نهادگرایی جدید^۱ با پذیرش چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک، تلاش می کنند که ضمن استفاده از ابزارهای رایج اقتصاد نئوکلاسیک، به ویژه تحلیل نهایی، با ادغام تحلیل های نهادی در تحلیل های نئوکلاسیک، تبیین جامع تری از پدیده های اقتصادی ارائه دهند و به این دلیل، اقتصاد نهادگرا را مکمل و نه جانشین اقتصاد نئوکلاسیک می دانند. بر اساس این نگرش است که استرلی^۲ (۱۹۹۹)، دو مبنای اقتصاد نهادگرایی جدید را چنین خلاصه می کند که نخست، نهادها بسیار مهم هستند و دوم، عوامل تعیین کننده نهادها به وسیله ابزار اقتصادی (نئوکلاسیک) تحلیل پذیر هستند. او مدعی است که مبنای دوم، اقتصاد نهادگرایی جدید را از سایر دیدگاه های نهادی متمایز می سازد. البته تمامی اقتصاددانان نهادگرایی قدیم و جدید در این ایده توافق دارند که نهادها با اهمیت هستند. اما توافق حتی تمامی اقتصاددانان نهادگرایی قدیم و جدید در این ایده که نهادها با اهمیت هستند، به این معنا نیست که آنان در مورد مفهوم نهادها نیز با هم توافق دارند. نهادها همچون بسیاری از اصطلاحها، به صورت های مختلف تعریف می شوند. مارکس، گرچه از پیشگامان استفاده از تحلیل های نهادی در توضیح چگونگی تحول نظام اجتماعی است، اما به نظر نمی رسد برای نهادها تعریفی پیشنهاد کرده باشد. کامونز، نهادها را شیوه های اقدام جمعی معرفی می کند. به هر حال، در این جا نیز همچون بسیاری از موارد مشابه در علوم اجتماعی، ضابطه مورد توافقی وجود ندارد که بتوان با استفاده از آن مشخص کرد از بین تعاریف مختلفی که برای نهادها پیشنهاد شده است، کدام یک ارجحیت دارد. در ادامه تعریف پیشنهادی نورث^۳ (۱۹۹۰)، که مبنای بحث در مورد نهادهاست، تشریح و به دلایلی برای پذیرش این تعریف اشاره می شود.

ژوانگ و همکاران (۲۰۱۰)، در ارتباط با حاکمیت قانون و رشد اقتصادی به این نتیجه می رسند که ارتباط میان آنها در کشورهای صنعتی و پیشرفته بسیار بالاتر از کشورهای در حال توسعه است. همچنین، بکار بردن شاخص های کلی حاکمیت قانون، بهتر از اجزای گسسته شاخص حاکمیت قانون است که بر رشد اقتصادی اثرگذار است. زینلی^۴ (۲۰۱۴)، در بررسی رابطه بین حاکمیت قانون، توسعه، و رشد اقتصادی، بیان می کند که حاکمیت قانون و سیستم های قانونی قوی، پیش شرط توسعه پایدار است و ضعف نسبی آنها در جهان در حال توسعه به عنوان مانع اصلی رشد اقتصادی است. یانگ^۵ (۲۰۱۰)، در بررسی رابطه قانون و رشد اقتصادی، اظهار می کند که با

1. New Institutional Economics
2. Easterly
3. North
4. Zeneli
5. Yang

وجود این که لازمه افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، وجود سیستم قانونی خوب، حفاظت از حقوق مالکیت، و کاهش هزینه‌های معامله‌ای است، با این حال در کشور چین، با وجود یک سیستم حقوقی ضعیف، رشد اقتصادی بالاست. نتایج نشان می‌دهند که نگرش مردم نسبت به سیستم‌های غیررسمی و سبک چینی در اجرای قانون می‌تواند با پاسخ این پرسش مرتبط باشد. با وجود این، همچنان که اقتصاد چین رشد می‌کند، اگر بیش از حد به سیستم‌های حقوقی برای اطمینان از رشد اقتصادی پایدار مورد نیاز تکیه کنند، هزینه‌های مبادله‌ای افزایش می‌یابند. جی‌وارنتی و همکاران^۱ (۲۰۱۲)، در بررسی عوامل موثر بر توسعه انسانی، به مطالعه رابطه توسعه انسانی و اثربخشی دولت با استفاده از شاخص‌های حکمرانی خوب در چارچوب رهیافت داده‌های تابلویی می‌پردازند و بیان می‌کنند که توسعه انسانی، یکی از عوامل بهبود کیفیت نیروی کار و خدمات عمومی و در نتیجه، عملکرد اقتصادی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین کارایی دولت و توسعه انسانی وجود دارد.

خیرخواهان و برادران شرکا (۱۳۸۲)، از زاویه اقتصاد سیاسی، مسئله نفرین منابع طبیعی و بلای منابع را در کشورهای عضو اوپک مورد بررسی قرار می‌دهند. آنان ضعف نهادهای قانونی و حضور گروه‌های ذی‌نفع قدرتمند و رانت‌جو را به عنوان دلایل رشد نیافتگی این کشورها و ظهور پدیده بلای منابع می‌دانند. این نتیجه‌گیری به نوعی رویکرد سوم مندرج در بخش پیشین پژوهش را تایید می‌کند، مبنی بر این که منابع طبیعی به‌خودی‌خود بحران‌زا نیست، بلکه فقدان کیفیت نهادی مناسب و سطح بالا در یک کشور باعث ایجاد بلای منابع می‌شود. بولته و همکاران^۲ (۲۰۰۵)، رابطه بین نفرین منابع و شاخص‌های مختلف رفاه را مورد بررسی قرار می‌دهند و به این نتیجه می‌رسند که کشورهای دارای نفرین منابع طبیعی در یک سطح درآمد اولیه معین، از سطوح پایین توسعه انسانی رنج می‌برند. همچنین درمی‌یابند که ارتباط مستقیم ضعیفی بین منابع طبیعی و رفاه وجود دارد؛ و بین آن‌ها ارتباط غیرمستقیمی وجود دارد که از راه کیفیت نهادی عمل می‌کند. مبارک و آذریپوند (۱۳۸۸)، به بررسی اثر شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام که اثربخشی دولت نیز یکی از آن‌هاست، بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی با سطوح توسعه‌یافتگی متفاوت در دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۸۰ می‌پردازند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که میزان اثرگذاری این شاخص‌ها بر رشد اقتصادی کشورهای ایران، مصر، ترکیه، و اندونزی نسبت به سایر کشورهای مورد بررسی پایین‌تر است.

1. Gwartney *et al*

2. Bulte *et al*

جدول ۱: مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه بین اثرهای کیفیت نهادی و نفرین منابع بر رشد اقتصادی

پژوهشگر(ان)	شاخص توسعه	شاخص نهادی	نمونه	روش پژوهش	نتایج
عاصم‌اوغلو و همکاران (۲۰۱۴)	تولید ناخالص داخلی	نقش قانون در جامعه و نفرین منابع	۶۲ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته	حداقل مربعات و حداقل مربعات دومرحله‌ای	نهادها و نفرین منابع اثر مثبت و منفی بر رشد اقتصادی دارند.
رودریک و همکاران (۲۰۱۴)	تولید ناخالص داخلی	نقش قانون در جامعه و نفرین منبع	۸۰ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته	حداقل مربعات معمولی دومرحله‌ای	نهادها و نفرین منابع اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارند.
کادیلی و کارموف ^۱ (۲۰۱۲)	شاخص توسعه انتقال فناوری و انسانی	کشورهای نفرین منابع در حال توسعه	کشورهای توسعه‌یافته	روش گشتاورهای تعمیم‌یافته	نهادها اثر مثبتی بر توسعه اقتصادی دارند.
دی‌جونگ ^۲ (۲۰۱۱)	تولید ناخالص داخلی	نقش قانون در جامعه	-	حداقل مربعات معمولی متغیرهای ابزاری	نهادها اثر مثبت بر تولید ناخالص دارند.
پاپلیکا ^۳ (۲۰۱۱)	بهره‌وری	حقوق مالکیت و نفرین منابع	هندوستان	اثرهای ثابت داده‌های تابلویی	نهادها و نفرین منابع اثر مثبتی بر بهره‌وری دارند.
عاصم‌اوغلو و همکاران (۲۰۱۲ و ۲۰۱۳)	نابرابری، تحصیل، و بهداشت	برده‌داری و نفرین منابع	کلمبیا	حداقل مربعات - اثرهای تصادفی داده‌های ترکیبی	برده‌داری و نفرین منابع اثر منفی بر رشد اقتصادی دارند.

بنابراین، منطبق بر ادبیات نظری و تجربی، شرایط اقتصادی حاکم بر کشورها از جمله سرمایه انسانی و کیفیت نهادی می‌توانند در نحوه اثرگذاری نفرین منابع بر رشد اقتصادی نقش مهمی داشته باشند و بسته به شرایط اقتصادی کشورها ممکن است نتایج متفاوتی به بار آورند. از این‌رو، چگونگی اثرهای نفرین منابع بر رشد اقتصادی و نقش کیفیت نهادی در این رابطه، مستلزم انجام پژوهش‌های تجربی دقیق است.

1. Kadilli & Markov
2. De Jong
3. Piplica

ارائه مدل پژوهش

پس از سولو^۱ (۱۹۵۶)، که الگوی رشد اقتصادی خود را ارائه نمود و متغیر سرمایه انسانی را در تصریح مدل‌های رشد اقتصادی وارد نمود، این الگو از تابع تولید ساده مدل مورد استفاده در این پژوهش، در چارچوب متعارف ادبیات موضوعی رشد و وفور منابع طبیعی قرار گرفت که با تکیه بر پژوهش‌های رشد بین‌کشوری همانند منکیو و همکاران (۱۹۹۲)، بارو و سالای مارتین^۲ (۱۹۹۵) و نیز پژوهش‌های تجربی رشد اقتصادی در کشورهای صاحب منابع طبیعی همانند زاکس و وارنر (۱۹۹۵)؛ ۱۹۹۷؛ ۱۹۹۹ الف؛ ۱۹۹۹ ب)، شکل گرفته است که به شکل زیر معرفی می‌شود:

$$Y_{it} = f(K_{it}, A_{it}, L_{it})$$
$$i = 1, 2, 3, \dots, t = 1, 2, 3, \dots$$

که در آن تولید ناخالص داخلی، انباشت موجودی سرمایه، نیروی کار، و فناوری را نشان می‌دهند. برای تصریح مدل‌های اقتصادسنجی، مدل رشد ارائه‌شده را به صورت لگاریتمی و اضافه نمودن متغیرهای دیگر موثر بر متغیر وابسته بیان می‌شود:

$$Y_{it} = f(LG(-1)_{it}, HC_{it}, KL_{it}, EF_{it}, NR_{it}, inst_{it}, Z_{it}, \xi_{it}) \quad (1)$$
$$t = 1, 2, 3, \dots, i = 1, 2, 3, \dots$$

همچنین استفاده از این مدل، در بارو و سالای مارتین (۱۹۹۵)، و پژوهش‌های تجربی رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی همانند زاکس و وارنر (۱۹۹۵)؛ ۱۹۹۷؛ ۱۹۹۹ الف؛ ۱۹۹۹ ب)، انجام شده است. برای برآورد مدل سنجی الگوی رشد در این پژوهش، از داده‌های پانل پویا استفاده می‌شود. استفاده از روش ترکیبی به‌جای استفاده از روش مقطعی، این امکان را می‌دهد که پویایی تغییرها پژوهش شوند. حالت کلی‌تر معادله (۱)، برای بررسی اثرهای متغیرهای مورد انتظار مانند کیفیت نهادها، توسعه انسانی، سنجش اثرهای متقابل آن‌ها روی هم، و استفاده از داده‌های پانل پویاست. مدل مورد بررسی برای تخمین به صورت رابطه (۲) بیان می‌شود:

1. Solow
2. Barro & Sala-i-Martin

$$\begin{aligned} \Delta LYR_{it} &= \alpha_0 + \alpha_1 LNR_{it} + \alpha_2 LYR_{it-1} + \alpha_3 LHC_{it} + \alpha_4 INST_{it} \\ &+ \alpha_5 X'_{it} + \alpha_6 Z'_{it} + U_{it} \\ LYR_{it} - LYR_{it-1} &= \alpha_0 + \alpha_1 LNR_{it} + \alpha_2 LYR_{it-1} + \alpha_3 LHC_{it} + \alpha_4 INST_{it} \\ &+ \alpha_5 X'_{it} + \alpha_6 Z'_{it} + v_i + \mu_t + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (2)$$

به طوری که:

$$\begin{aligned} i &= 1, 2, 3, \dots, i = 1, 2, 3, \dots \\ it &= v_i + \mu_t + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

در پژوهش‌های اخیر، از بین عوامل اثرگذار بر وقوع پدیده بلای منابع موثر، شاخص توسعه انسانی و کیفیت نهادها بیش‌تر مورد توجه پژوهشگران است. پس در این پژوهش، تمرکز اصلی بر این دو متغیر است و تلاش می‌شود که ابعاد مختلف اثرگذاری این دو عامل در نمونه کشورهای مورد بررسی در دوره زمانی مشخص ۲۰۱۶-۱۹۹۵ بیان شوند.

GTR_{it} : رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه؛

NR_{it} : نسبت صادرات منابع از کل صادرات به عنوان شاخص نفرین منابع؛

$INST_{it}$: شاخص محیط نهادی که ترکیبی از لگاریتم شاخص کیفیت نهادهاست که ترکیبی از شش میانگین موزون شاخص‌های (ثبات سیاسی، میزان مشارکت مردم در امور کشور، کنترل فساد، میزان اثربخشی دولت، کیفیت مقررات و قوانین، و حاکمیت قانون) است؛

HCI_{it} : شاخص سرمایه انسانی شامل سه شاخص امید به زندگی، تحصیلات، و درآمد سرانه است.

اما در این مدل پژوهش، شاخص کلی بکار گرفته نمی‌شود و شاخص تحصیلات و امید به زندگی به صورت مجزا در مدل اشاره شده وارد می‌شود؛

X'_{it} : این متغیر برای نشان دادن اثرهای برهم‌کنش متغیرهای شاخص سرمایه انسانی و محیط

نهادی با متغیر وفور منابع در مدل وارد شده است؛

Z'_{it} : نشانگر سایر متغیرهای کنترلی اثرگذار بر رشد اقتصادی است که در این پژوهش شامل شاخص

باز بودن اقتصاد، شاخص تورم، رابطه مبادله، و سهم مخارج دولت از کل تولید ناخالص داخلی است؛ و

Δ : نشان‌دهنده تفاضل مرتبه اول L علامت لگاریتم طبیعی است و t و i به ترتیب نشان‌دهنده

کشور و زمان هستند.

دوره زمانی این پژوهش ۲۰۱۶-۱۹۹۵ است که به صورت هفت دوره زمانی سه‌ساله در نظر گرفته می‌شود. جامعه آماری این پژوهش کشورهای صادرکننده عمده مواد خام هستند که برای آزمون و

بررسی پرسش‌ها و فرضیه‌ها از مدل یادشده استفاده می‌شود و برای برآورد مدل یادشده، از روش تخمین گشتاورهای تعمیم‌یافته، به منظور حذف تورش ناشی از وجود ارتباط بین متغیرهای توضیحی و جمله اثرهای ثابت، از معادله تفاضل مرتبه اول گرفته می‌شود که با این کار، جمله اثرهای ثابت از مدل حذف می‌شوند. آن‌گاه برای فائق آمدن بر مشکل درون‌زایی متغیرهای مستقل، از وقفه آن‌ها به عنوان ابزار استفاده می‌شود. به‌طور کلی، این تخمین‌زن به دو دسته تقسیم می‌شود: تخمین‌زن تفاضل مرتبه اول و تخمین‌زن سیستمی گشتاورهای تعمیم‌یافته. به‌طور کلی، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته داده‌های تابلویی پویا نسبت به روش‌های دیگر دارای مزایایی همچون حل مشکل درون‌زا بودن متغیرهای نهادی، کاهش یا رفع همخطی در مدل، حذف متغیرهای ثابت در طی زمان، و افزایش بُعد زمانی متغیرهاست (امامی میبیدی و همکاران، ۱۳۹۰).

تخمین مدل و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، برای بررسی اثرهای مختلف شاخص وفور منابع برای دو گروه از کشورها، مدل مورد نظر در دوره ۲۰۱۶-۱۹۹۵ پس از تصریح، تخمین زده می‌شود. درآمدهای نفتی کشورهای گروه هشت، بیش‌ترین درآمد صادراتی این کشورهاست. در کشورهای گروه هفت که صادرات نفت بخش کوچکی از تولید ناخالص داخلی آن‌ها را شامل می‌شود، بیش‌تر این کشورها توسعه‌یافته و صنعتی هستند. بنابراین، ابتدا لازم است همگن بودن داده‌های کشورها با استفاده از آزمون (F) لیمر مورد بررسی قرار گیرد و سپس با استفاده از آزمون هاسمن^۱ بررسی اثرهای ثابت یا تصادفی متغیرها آزمون شود. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، آماره لیمر فرضیه صفر همگن بودن داده‌های بین‌کشوری تایید نمی‌شود و در خصوص نتایج آزمون هاسمن برای مدل‌های مختلف با متغیرهای توضیحی متفاوت فرضیه صفر رد می‌شود و روش برآورد اثرهای ثابت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برآورد مدل برای کشورهای در حال توسعه

نتایج برآورد مدل پژوهش با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews-9 برای کشورهای گروه هشت در جدول (۱) نشان می‌دهد که اثرهای متغیر نفرین منابع با وجود متغیرهای کنترلی مختلف در همه مدل‌ها منفی و معنادار است. یعنی عرضه نفرین منابع طبیعی در کشورهای گروه هشت، که

درآمدهای نفتی وابسته هستند، تایید می‌شود. از طرف دیگر، اثرهای منفی بین شاخص نفرین منابع با رشد اقتصادی در کشورهای گروه هشت بیانگر آن است که صادرات منابع طبیعی به صورت خام باعث رشد کاهنده اقتصاد آن‌ها می‌شود. اثرهای متغیر شاخص سرمایه انسانی نیز در حالت کلی به دلیل وجود همبستگی، به صورت جداگانه با دو شاخص امید به زندگی و متوسط سطح تحصیلات وارد مدل می‌شود، و در حالت کلی نیز به صورت متقاطع با متغیر شاخص نفرین منابع وارد مدل رشد اقتصادی می‌شود. نتایج به دست آمده از مدل‌های پژوهش حاکی از اثرگذاری مثبت و معنادار شاخص سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در همه حالت‌های مختلف برآوردهاست، و در حالت کلی باعث کاهش اثرهای کاهنده شاخص نفرین منابع بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه می‌شود، و در نهایت بیان می‌کند که شاخص سرمایه انسانی عامل بهبود نفرین منابع و جلوگیری از خام‌فروشی در کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه است.

از طرف دیگر، یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار در این مدل شاخص محیط نهادی است که بر اساس برآوردهای به عمل آمده اثرگذاری این متغیر بر رشد اقتصادی مثبت است و می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که در کشورهای در حال توسعه گروه هشت، نقش کیفیت نهادی اثرهای مثبتی بر رشد اقتصادی آن‌ها دارد. و از طرفی، اثر تقاطعی آن‌ها با شاخص وفور منابع طبیعی منفی است، یعنی خام‌فروشی منابع در کشورهای گروه هشت (در حال توسعه) است. و در نهایت اثر شاخص هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی کشورهای گروه هشت نیز منفی است که بیانگر ضدچرخه‌ای بودن سیاست‌های دولت در این کشورهاست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: نتایج برآورد مدل برای گروه اول کشورهای گروه هشت (در حال توسعه)

متغیرها	مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)	مدل (۶)	مدل (۷)	مدل (۸)	مدل (۹)
C	-۰/۷۵	-۱/۳۷	-۰/۱۱	-۲/۳۵	-۲/۶۹	-۹/۹۲	-۰/۲۳	-۰/۱۴	-۲/۱۶
	(-۱۰/۰۵) [°]	(-۳۲/۱۲) [°]	(-۵/۳۸) [°]	(-۴/۰۳۱) [°]	(-۴/۲۸) [°]	(-۷/۲۴) [°]	(-۰/۲۱۸) [°]	(-۵/۴۱) [°]	(-۲/۶۶) [°]
<i>LYr(-1)_{it}</i>	۰/۸۰۵	۰/۸۳	۰/۸۰۹	۰/۸۴	۰/۱۰	۰/۸۶	۰/۸۷	۰/۸۱	۰/۸۵
	(۲۲/۷۷) [°]	(۱۳/۸۹) [°]	(۲۲/۵۱) [°]	(۲۵/۴۱) [°]	(۶۰/۴۱) [°]	(۱۳/۵۸) [°]	(۱۳/۶۲) [°]	(۱۴/۴۹) [°]	(۲۲/۹۶) [°]
<i>LNR_{it}</i>	-۰/۵۱	-۰/۴۲	-۰/۱۲	-۰/۵۸	-۰/۸۳	-۰/۲۲	-۰/۰۶	-۰/۲۳	-۰/۲۳
	(-۴/۳۵) [°]	(-۱۰/۵۵) [°]	(-۷/۶۶) [°]	(-۲۹/۳۹) [°]	(-۶/۵۰) [°]	(-۴/۰۴) [°]	(-۱۰/۷) [°]	(-۳/۲۴) [°]	(-۳/۸۹) [°]
<i>LKL_{it}</i>	۰/۲۴	۰/۵۷	-۰/۲۴	-۰/۲۱					
	(۵/۴۳) [°]	(۴/۷۹) [°]	(۵/۳۴) [°]	(۳/۷۰) [°]					
<i>LHC_{it}</i>	۰/۱۸	۰/۱۹	۰/۳۰					۰/۸۵	
	(۳/۳۳) [°]	(۳/۳۳) [°]	(۲/۶۲) [°]					(۳۷/۱۴) [°]	
<i>LCGE_{it}</i>	-۰/۱۳				-۰/۲۱				
	(-۱/۶۵) ^{***}				(-۱۳/۹) [°]				
<i>LINST_{it}</i>	۰/۰۳۵				۰/۲۳	۰/۶۱	۰/۱۱		۰/۳۴۲
	(۲/۶۰) [°]				(۹/۹۷) [°]	(۷/۲۹) [°]	(۴/۹۷) [°]		(۱۴/۸۲) [°]
<i>DEMO_{it}</i>			۰/۳۰					۰/۱۶	
			(۰/۹۳)					(۰/۲۰)	
<i>LTO_{it}</i>		۰/۱۲							
		(۶/۰۲) [°]							
<i>LEF_{it}</i>				۰/۲۳				۰/۷۴	۰/۱۵
				(۱۳/۳۵) [°]				(۲۲/۶۲) [°]	(۲/۵۰) [°]
<i>LPR_{it}</i>							۰/۱۴		
							(۰/۱۶۸)		
* <i>LNR_{it}</i>							-۰/۶۳		
<i>LINST_{it}</i>							(-۲۷/۳۹) [°]		
* <i>LNR_{it}</i>			۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۰۸	۰/۱۲			۰/۷۴
<i>LHC_{it}</i>			(۶/۸۶) [°]	(۴۱/۷۰) [°]	(۶/۹۰) [°]	(۲/۹۲) [°]			(۲۲/۶۲) [°]
تعداد مشاهدهها	۱۶۰	۱۵۹	۱۵۸	۱۴۹	۱۵۳	۱۵۲	۱۵۵	۱۵۹	۱۵۸
تعداد کشورها	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸
Sargan (P-Value)	۰/۵۲	۰/۴۱	۰/۳۲	۰/۳۷۳	۰/۱۶	۰/۲۸	۰/۳۴	۰/۲۳	۰/۴۰
First-order S.C.	-۴/۳۸	-۴/۳۷	-۴/۴۵	-۵/۵۶	-۳/۸۱	-۳/۱۰	-۳/۱۰	-۴/۴۵	-۲/۹۵
Second-order S.C.	-۰/۷۴۷	-۰/۵۷۱	-۰/۵۸	-۰/۴۳	-۰/۲۲۱	-۰/۲۴۱	-۰/۸۴۹	-۰/۹۱۲	-۰/۴۴

(آماره داخل پرانتز نشان دهنده آماره آزمون t است؛ *، **، و *** به ترتیب نشانگر معناداری در سطح ۹۰، ۹۵، و ۹۹ درصد است).

برآورد مدل برای کشورهای گروه هفت (توسعه یافته)

با توجه به این که کشورهای گروه هفت شامل کشورهای توسعه یافته است، بسیاری از متغیرها مانند دموکراسی، حقوق مالکیت، سرمایه انسانی و کیفیت نهادها در این کشورها عملکرد مناسبی دارند. بنابراین، در این گروه از کشورها اثر شاخص‌های حقوق مالکیت، دموکراسی، و وفور منابع بر رشد و توسعه اقتصادی مثبت است که با ملاحظه ضرایب مثبت این متغیر در جدول (۲)، می‌توان این موضوع را اثبات کرد که در این کشورها پدیده نفرین منابع (بیماری هلندی) اتفاق نیفتاده است. از طرفی، متغیر دموکراسی به دلیل اثر بازتوزیعی و ثبات بیش‌تر سیاسی در کشورهای توسعه یافته گروه هفت مثبت و معنادار است.

بر اساس نتایج به دست آمده از برآورد، اثر متغیر حقوق مالکیت نیز بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است، یعنی حمایت قویتر از حقوق مالکیت، باعث افزایش سرمایه‌گذاری کشورهای توسعه یافته گروه هفت در فعالیت‌های تحقیق و توسعه می‌شود، اختراع داخلی و نوآوری‌ها را ترغیب می‌کند، و افزایش نوآوری‌ها در کشورهای توسعه یافته نیز باعث افزایش رشد اقتصادی این کشورها می‌شود. بنابراین، می‌توان این ضریب را این‌گونه تفسیر کرد: اگرچه حمایت از حقوق مالکیت ممکن است انگیزه برای اختراع و نوآوری به وجود آورد، اما در کشورهای در حال توسعه گروه هشت ظرفیت محدودی برای استفاده از این حمایت وجود دارد. همچنین، با افزایش حمایت از حقوق مالکیت نرخ تقلید در کشورهای در حال توسعه کاهش می‌یابد و باعث کاهش سرعت رشد اقتصادی این کشورها می‌شود.

از طرفی، متغیرهای شاخص‌های کیفیت نهادها و سرمایه انسانی، همان‌گونه که دیده می‌شود، ضریب شاخص سرمایه انسانی و لگاریتم نسبت سرانه سرمایه ناخالص در تمام مدل‌های برآورد شده مثبت و در سطح بالایی معنادار است. همچنین، با توجه به نتایج، اثر مثبت شاخص‌های کیفیت نهادها، آزادی اقتصادی، و رابطه مبادله مشخص است و به تبعیت از نتیجه‌گیری‌های پژوهش‌های پیشین، در این‌جا نیز می‌توان بیان کرد، یکی از عواملی که در وقوع نفرین منابع طبیعی به‌طور معنادار موثر است، شاخص سرمایه انسانی و کیفیت نهادهاست. پس اثر تقاطعی شاخص سرمایه انسانی و کیفیت نهادها برای کشورهای وابسته و غیروابسته به منابع، که سطح بالایی از شاخص سرمایه انسانی را دارند، با بهبود سرمایه انسانی و کیفیت نهادها، به‌ویژه در کشورهای دارای وفور منابع، اثر منفی بر رشد اقتصادی را خنثی و اثرگذاری آن‌ها را مثبت می‌کند؛ بنابراین از وقوع پدیده نفرین منابع می‌توان جلوگیری کرد.

پس می‌توان نتیجه گرفت که چون کشورهای صنعتی جزو کشورهای توسعه‌یافته‌تر هستند و ثبات اقتصادی، سیاسی، و نهادی بیشتری دارند، و نیز دارای امکانات زیرساخت‌های مناسب‌تری برای مراحل رشد و توسعه هستند، پس ضرایب بالاتری دارند. اما در کشورهای درحال توسعه گروه هشت، ضرایب کوچک‌تر است، که نشان‌دهنده اثرهای ضعیف‌تری است و این تنها به دلیل اهمیت ندادن به متغیرهای نهادی در این کشورها و نیز نوسان‌های سیاسی بیش‌تر و نبود ثبات اقتصادی در کشورهایی با درآمد سرانه پایین و درحال توسعه است. همچنین، تاثیر متغیر سرانه هزینه‌های دولت در دوره مورد بررسی در این گروه از کشورها نیز منفی است، پس سرانه هزینه‌های دولت در هر دو گروه از کشورها اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. همان‌گونه که از نتایج مدل مشخص است، اثر رابطه مبادله و آزادی اقتصادی بر رشد مثبت است، به عبارتی دیگر کشورهایی که دارای شاخص درجه آزادی بزرگ‌تری هستند، صادرات بیش‌تری نسبت به کشورهایی که دارای شاخص کوچک‌تری هستند، دارند.

برای بررسی معتبر بودن ماتریس ابزارها در روش گشتاورهای تعمیم‌یافته از آزمون سارگان استفاده می‌کنیم. در این آزمون، فرضیه صفر حاکی از نبود همبستگی ابزارها با اجزای اختلال است. از این‌رو، می‌توان گفت که متغیرهای ابزاری استفاده‌شده در این مدل مناسب هستند. همچنین، فرضیه صفر آزمون همبستگی سریالی را نمی‌توان رد کرد، زیرا در آن جمله‌های خطا در رگرسیون تفاضلی مرتبه اول همبستگی سریالی مرتبه دوم را نشان نمی‌دهند. نتایج به‌دست‌آمده از جدول (۲)، حکایت از معتبر بودن ابزارهای انتخابی در تمامی تصریح‌ها دارد، به‌طوری که هیچ‌گونه همبستگی معناداری بین ابزارها و باقی‌مانده‌ها وجود ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲: نتایج برآورد مدل برای گروه هفت (کشورهای توسعه یافته)

مدل (۶)	مدل (۵)	مدل (۴)	مدل (۳)	مدل (۲)	مدل (۱)	
۱/۱۵ (۷/۶۵) ^o	۱/۲۰ (۱۱/۴۱) ^o	۱/۲۱ (۰/۲۵۲۳) ^o	۰/۸۶ (۳/۴۱) ^o	۴۳/۶۰ (۰/۱۴۸)	۶/۲۲ (۸/۲۹) ^o	c
-۰/۴۲ (-۱۵/۲۲) ^o	-۰/۴۳ (-۱۰/۳۹) ^o	-۰/۱۵ (-۲/۵۰) ^o	-۰/۳۵ (-۲۵/۱) ^o	-۰/۵۳ (-۹/۳۳) ^o	-۰/۴۸ (-۴/۳۲) ^{oo}	$L_{Yr}(-1)_{it}$
۰/۰۴ (۱۹/۲۵) ^o	-۰/۴۱ (۱۶/۴۵) ^o	۰/۱۴ (۳/۹۹) ^{oo}	۰/۱۹ (۱۳/۸۴) ^o	۰/۷۰ (۶/۴۴) ^{oo}	-۰/۹۶ (۷/۸۲) ^o	LNR_{it}
	۰/۱۸ (۱۲/۰۴) ^o	۰/۱۷ (۷/۲۸) ^o	-۰/۱۳ (۲/۸۴) ^o	۰/۸۵ (۱۱/۴۳) ^o	۰/۸۱ (۷/۹۴) ^o	$LINST_{it}$
۰/۱۹ (۱۲/۵۳) ^o			-۰/۱۲ (۱۲/۸۱) ^o	۰/۱۷ (۱۳/۱۹) ^o		LEF_{it}
		۰/۳۴ (۴/۷۶) ^o		۰/۱۹ (۸/۴۲) ^o	-۰/۵۵ (۶/۹۸) ^o	LHC_{it}
	۰/۰۹۶ (۲۳/۴۱) ^o					$LDEMO_{it}$
۰/۱۷ (۱۳/۳۴) ^o						$LTOT_{it}$
۰/۶۱ (۳۳/۳۱) ^o						LPR_{it}
					۰/۱۹ (۱۳/۱۶) ^o	LKL_{it}
-۰/۴۲ (-۱۵/۲) ^{oo}						$LCGE_{it}$
	-۰/۴۳ (۱۰/۳۹) ^o					* LNR_{it}
						$LINST_{it}$
	۰/۶۲ (۳۱/۳۵) ^o	۰/۵۱ (۱۲/۳۳) ^o				* LHC_{it} LNR_{it}
۱۳۸	۱۳۶	۱۳۶	۱۳۹	۱۳۸	۱۴۰	تعداد مشاهده‌ها
۷	۷	۷	۷	۷	۷	تعداد کشورها
۰/۲۲	۰/۶۷	۰/۶۷	۰/۳۸	۰/۸۹	۰/۸۳	Sargan (P-Value)
-۳/۷۲	-۲/۱۷	-۲/۴۹	-۲/۳۴	-۵/۲۶	-۲/۰۶	First-order S.C.
-۰/۳۰۹	-۰/۲۰۳	-۰/۴۰۶	-۰/۶۳۱	-۰/۵۷۷	-۰/۴۲۱	Second-order S.C.

(آماره داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره آزمون F است؛ *، **، و *** به ترتیب نشانگر معناداری در سطح ۰.۰۵، ۰.۰۱ و ۰.۰۰۱ درصد است).

تحلیل نتایج پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش

رابطه مثبتی بین متغیرهای کیفیت نهادی و شاخص نفرین منابع با رشد اقتصادی در کشورهای دو گروه متفاوت در حال توسعه و توسعه یافته وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

الف. رابطه مثبتی بین رشد اقتصادی و شاخص نفرین منابع در کشورهای دو گروه متفاوت در حال توسعه و توسعه یافته وجود دارد.

ب. رابطه مثبتی بین آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای دو گروه متفاوت در حال توسعه و توسعه یافته وجود دارد.

ج. رابطه مثبتی بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای دو گروه متفاوت در حال توسعه و توسعه یافته وجود دارد.

یکی از این روش‌های بررسی استحکام نتایج، بررسی کانال‌های غیرمستقیم اثرگذاری شاخص نفرین منابع بر رشد اقتصادی است. اثر شاخص نفرین منابع با متغیرهای شاخص سرمایه انسانی و محیط نهادی به صورت تقاطعی در جداول (۱) و (۲) ارائه شدند. بنابراین، طبق نتایج ارائه شده، شاخص نفرین منابع دارای اثر مستقیم و غیرمستقیم بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه است. برای ارائه اثر مستقیم شاخص نفرین منابع بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه از دیفرانسیل جزئی شاخص نفرین منابع به متغیر وابسته می‌توان استفاده کرد که جهت آن‌ها نشان‌دهنده ضرایب اثر متقاطع شاخص نفرین منابع با شاخص متغیرهای سرمایه انسانی و محیط نهادی بر متغیر وابسته (رشد اقتصادی) است. از طرف دیگر، می‌توان برای بررسی بیش‌تر مدل پژوهش به برآورد همه کشورهای مورد مطالعه به صورت کلی در مدل پرداخت و نسبت به برآورد آن‌ها به صورت یکجا اقدام کرد. بر اساس جدول (۳)، برای تفکیک کشورهای نفتی و غیرنفتی، از متغیر مجازی استفاده می‌شود. ضریب شاخص نفرین منابع بر رشد اقتصادی منفی است، یعنی در کشورهای نفتی پدیده نفرین منابع مشاهده می‌شود.

جدول ۳: نتایج مدل برای گروه کشورهای (گروه هشت و هفت)

مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)	مدل (۶)	
-۰/۰۲۷	-۰/۰۶۲	-۰/۰۵۶	-۰/۰۷۴	-۰/۰۱۵	-۰/۰۱۸	NR
(-۴/۷۲) [°]	(-۷/۰۵) [°]	(-۶/۷۹) [°]	(-۸/۴۵) [°]	(-۳/۷۰) [°]	(-۳/۹۷) [°]	
۰/۲۵	۰/۵۳	۰/۴۲	۰/۳۵	۰/۴۳	۰/۶۳	INST
(۵/۶۵) [°]	(۱۶/۹۴) [°]	(۱۵/۷۵) [°]	(۱۴/۲۰) [°]	(۱۵/۸۳) [°]	(۱۶/۱۲) [°]	
۱۰/۷۱	۱۱/۱۶	۱۱/۴	۱۱/۳۵	۱۱/۰۱	۱۱/۰۰۲	HC
(۱۹۵/۳۹) [°]	(۲۰/۱۵) [°]	(۹۸/۲۰) [°]	(۸۱/۱۳) [°]	(۸۰/۰۸) [°]	(۸۳/۷۵) [°]	
-۰/۵۶	-۰/۶۸	-۰/۶۷	-۰/۵۲	-۰/۴۶	-۰/۵۱	DU
(-۷/۶۷) [°]	(-۱۳/۲۵) [°]	(-۱۳/۰۲) [°]	(-۷/۴۳) [°]	(-۷/۱۰) [°]	(-۷/۲۷) [°]	
۰/۰۱۷	۰/۰۱۲	۰/۰۱۸	۰/۰۲۳	۰/۰۱۸	۰/۰۱۲	DU*NR
(۹/۹۰) [°]	(۱۰/۱۳) [°]	(۱۰/۴۵) [°]	(۱۳/۳۹) [°]	(۱۰/۴۵) [°]	(۱۰/۱۳) [°]	
-۱/۸۶	-۱/۸۶	-۱/۷۵	-۲/۰۳	-۱/۹	-۲/۲۱	GCF
(-۱۰/۷۴) [°]	(-۱۰/۷۴) [°]	(-۹/۹۴) [°]	(-۱۱/۳۹) [°]	(-۹/۷۱) [°]	(-۹/۶۷) [°]	
-۰/۲۳	-۰/۲۳	-۰/۲۳	-۰/۴	-۰/۳	-۰/۲۵	TOT
(-۲/۲۷) ^{**}	(-۲/۲۷) ^{**}	(-۲/۲۷) ^{**}	(-۳/۰۹) [°]	(-۲/۵۰) ^{**}	(-۲/۱۶) ^{**}	
۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	OPN
(۱۰/۱۰) [°]	(۱۰/۱۰) [°]	(۱۰/۱۰) [°]	(۸/۵۵) [°]	(۱۰/۷۰) [°]	(۱۰/۱۰) [°]	
۰/۰۰۹	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۰۹	HC*NR
(۲/۲۲) ^{**}	(۳/۴۵) [°]	(۳/۴۵) [°]	(۳/۴۵) [°]	(۳/۴۵) [°]	(۲/۲۲) ^{**}	
۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	INS*NR
(۳۵۶) [°]	(۳۵۶) [°]	(۳۵۶) [°]	(۳۵۶) [°]	(۳۵۶) [°]	(۳۵۶) [°]	
۰/۱۸۶	۰/۱۶۹	۰/۱۷۸	۰/۱۷۶	۰/۱۹۷	۰/۱۹۳	
۱۲۹	۱۲۰	۱۳۲	۱۲۲	۱۲۷	۱۳۵	تعداد مشاهده‌ها
۷	۷	۷	۷	۷	۷	تعداد کشورها

(آماره داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره آزمون t است؛ *، **، و *** به ترتیب نشانگر معناداری در سطح ۰٫۰۵، ۰٫۰۱ و ۰٫۰۰۱ درصد است).

بنابراین نتایج جدول (۳)، نشان می‌دهد که در مدل‌های بالا، متغیرهای شاخص سرمایه انسانی، رابطه مبادله اقتصادی، باز بودن اقتصاد، سرمایه‌گذاری فیزیکی، و شاخص محیط نهادی اثرهای

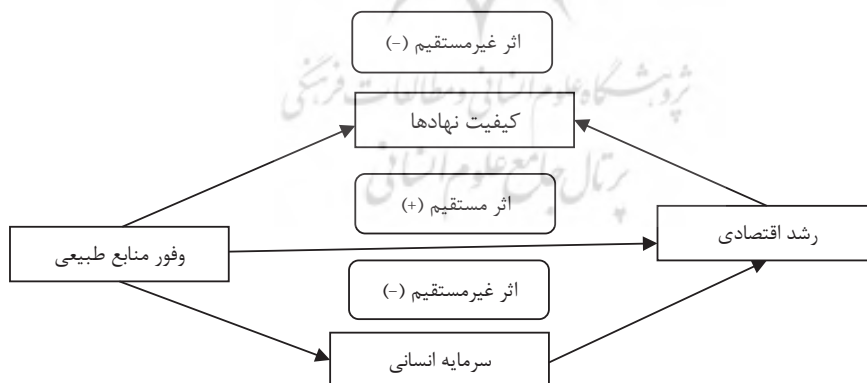
مثبت و معناداری بر متغیر وابسته دارند و این نتیجه، با بیش تر یافته‌های پیشین و انتظارات نظری پژوهش‌های کافمن و همکاران (۲۰۰۹) سازگار است.

بررسی کانال‌های اثرگذاری وفور منابع بر رشد اقتصادی

همان‌طور که در بالا اشاره شد، وفور منابع طبیعی به‌خودی‌خود برای کشورها نعمت است و می‌تواند در روان‌سازی چرخه فعالیت‌های اقتصادی تعیین‌کننده باشد و این ساختار اقتصادی حاکم بر کشورهاست که نحوه استفاده از وفور منابع را به انحراف می‌کشد و موجب بروز بلای منابع طبیعی می‌شود. در این راستا، اقتصاددانان برای تبیین بلای منابع، کانال‌هایی را بررسی می‌کنند که وفور منابع از راه آن‌ها زمینه را برای کندی رشد اقتصادی فراهم می‌نماید. کیفیت نهادی یکی از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری وفور منابع بر رشد اقتصادی است. برخی از اقتصاددانان همانند مهلوم و همکاران (۲۰۰۶)، معتقدند که در کشورهای دارای منابع طبیعی، کارفرمایان و فعالان اقتصادی بین رانت‌جویی و فعالیت‌های سودمند و مولد اقتصادی یکی را انتخاب می‌کنند. سودمندی نسبی این فعالیت‌ها به میزان شاخص‌های کیفیت نهادی همانند حاکمیت قانون و اثربخشی دولت، کنترل فساد، حق اعتراض، و پاسخگویی بستگی دارد. کیفیت نهادی بالا به موقعیتی منجر می‌شود که در آن فعالان اقتصادی به فعالیت‌های مولد می‌پردازند، در حالی که کیفیت نهادی پایین به گرایش به رانت‌جویی منجر می‌شود. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که منابع فقط در جایی به صورت بلا درمی‌آید که کیفیت نهادی ضعیف باشد. بنابراین، کیفیت نهادی می‌تواند در نحوه استفاده از وفور منابع طبیعی و در رشد اقتصادی نقش تعیین‌کننده ایفا نماید.

بنابراین، مطابق ادبیات منابع طبیعی، می‌توان استدلال کرد که نحوه استفاده از منابع طبیعی در نعمت یا نعمت بودن آن نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند که این امر به مسائل متعددی از جمله کیفیت نهادی کشورها بستگی دارد. کیفیت نهادی به دو شکل ممکن اثرهای وفور منابع بر رشد اقتصادی را متاثر می‌سازد. از یک طرف، بر اساس رویکرد اول، وفور منابع می‌تواند به‌طور مستقیم کیفیت نهادی کشورها را تضعیف کند و از کانال آن رشد اقتصادی را کندتر کند. از سوی دیگر، بر اساس رویکرد سوم مطرح‌شده، چگونگی کیفیت نهادی کشورها می‌تواند در رابطه بین وفور منابع و رشد اقتصادی تعیین‌کننده باشد، به‌طوری که پایین بودن سطح کیفیت نهادی استفاده از وفور منابع طبیعی را به انحراف می‌کشد و این انحراف و استفاده نادرست از وفور منابع به کندی رشد اقتصاد منجر شود. بنابراین، کیفیت نهادی یکی دیگر از عوامل مهم اثرگذار بر رشد اقتصادی است. ضریب

مثبت و معنادار متغیر اثربخشی دولت (به عنوان شاخصی برای کیفیت نهادی)، گویای آن است که کیفیت نهادی، از متغیرهای کلیدی اثرگذار بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی است. این شاخص توانایی دولت در تنظیم و اجرای سیاست‌های درست را نشان می‌دهد. هرچه دولت‌های کشورهای دارای اقتصاد نفتی در اجرای سیاست‌های مناسب و درست، موفق عمل کنند، می‌توانند به رشد اقتصادی این کشورها کمک کنند؛ یعنی رشد اقتصادی می‌تواند با استفاده از کیفیت نهادی سالم و خوب در کشورهای دارای وفور منابع طبیعی تقویت شود. با توجه به موارد بالا، می‌توان به پایپراکس و گرلاف (۲۰۰۴)، و کسانتینی و مونی (۲۰۰۸) اشاره نمود و از طرفی، اثر متغیر شاخص نفرین منابع را بر متغیرهای مختلف همچون شاخص محیط کیفیت نهادی، سرمایه‌گذاری، باز بودن اقتصاد، رابطه مبادله، و سرمایه انسانی به عنوان کانال‌های اثرگذار غیرمستقیم بر رشد اقتصادی مطرح کرد. وقتی در کشورهای منابع خام و نفتی در کشورهای گروه هشت (در حال توسعه) کشف می‌شود، یک افزایش شدید در درآمدهای آن کشورها به وجود می‌آید که در صورت نداشتن مدیریت اقتصادی و محیط نهادی مناسب به اثرگذاری منفی غیرمستقیم از مسیرهای اشاره شده بر رشد اقتصادی منجر خواهد شد و در نهایت، بخش غیرمولد اقتصاد و دولت را بزرگ خواهد کرد. در نمودار (۱)، کانال‌های مستقیم و غیرمستقیم اثرگذاری منابع بر رشد اقتصادی نمایش داده می‌شود.



نمودار ۱: کانال‌های اثرگذاری شاخص نفرین منابع بر رشد اقتصادی

بنابراین در این پژوهش، اثر مستقیم و غیرمستقیم شاخص نفرین منابع بر رشد اقتصادی، که مورد بررسی قرار گرفت، برای شاخص متغیرهای محیط نهادی در کشورهای توسعه‌یافته (گروه هفت)، مثبت و معنادار است. پس می‌توان بیان نمود که بر اساس جدول (۴)، اثر متغیر شاخص نفرین منابع بر سطح کیفیت نهادها در کشورهای در حال توسعه (گروه هشت) منفی و معنادار است. بنابراین، نتیجه حاضر بیانگر تایید اثرگذاری عامل شاخص محیط نهادی است که از راه شاخص نفرین منابع بر رشد اقتصادی کشورها اثرهای مستقیم و غیرمستقیمی دارد. در حالی که شاخص سرمایه انسانی دارای اثرهای غیرمستقیم و مستقیم مثبت و معناداری در هر دو گروه از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته است.

جدول ۴: اثرهای غیرمستقیم شاخص نفرین منابع بر رشد اقتصادی

مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	
-۰/۱۱	-۰/۰۵	-۰/۰۹	NR
(-۳/۵۳)*	(-۱۰/۲۶)*	(-۴/۳۵)*	
-۳/۲۲	-۳/۹۱		GCF
(-۲/۲۳)**	(-۳/۰۲)*		
۱/۱۱		۱/۲۱	HC_1
(۱/۹۹)**		(۴/۲۱)*	
۰/۰۱	۰/۰۸		HC_2
(۲/۵۶)*	(۴/۲۱)*		
-۰/۰۵	-۰/۱۷	-۰/۱۹	DU
(-۴/۲۳)*	(-۳/۱۱)*	(-۲/۰۱)**	
-۱/۳۷	۳/۲۴	-۱/۱۲	GCE
(-۱/۰۲)	(۱/۸۴)**	(-۳/۰۴)*	
۰/۸۶	۰/۸۷	۰/۸۸	R^2
۱۴۳	۱۲۵	۱۳۷	تعداد مشاهده‌ها
۸	۸	۸	تعداد کشورها

(آماره داخل پارانتر نشان‌دهنده آماره آزمون F است؛ *، **، و *** به ترتیب نشانگر معناداری در سطح ۰٫۹۰، ۰٫۹۵، و ۰٫۹۹ درصد است).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به این که شکاف درآمدی بین کشورها و واگرایی فزاینده بین آن‌ها، مشکلی دیرینه در ادبیات رشد اقتصادی است، در چند دهه اخیر کارهای تجربی چشمگیری برای شناسایی عوامل این واگرایی، شکاف، و درمان آن انجام شده است. اما باید اذعان داشت که این مشکل با فراز و نشیب‌هایی همچنان گریبان‌گیر دنیای امروز است. نهادگرایان یکی از دلایل باز نشدن این گره را نسخه‌پیچی اقتصاددانان و نهادهای مهم بین‌المللی برای کشورها، به‌ویژه کشورهای توسعه‌نیافته، بدون شناخت عوامل نهادی موجود در آن‌ها معرفی می‌کنند. از دیدگاه نورث (۱۹۹۰)، تاریخ اقتصادی کشورهای جهان سوم، آکنده از نهادهایی است که به فعالیت‌ها و رفتاری اشکال تراشانه و تعلق‌ورزانه پاداش مثبت می‌دهند. این بدین معنا نیست که نهادهای مولد در این کشورها در اصل وجود ندارند، بلکه منظور آن است که در این کشورها، نهادهایی که به فعالیت‌های ضد اقتصادی و غیرمولد پاداش می‌دهند و انگیزه می‌بخشند، بر سایر نهادها برتری می‌یابند؛ در حالی که در اقتصادهای مدرن این رابطه معکوس است. بنابراین، شناخت مشکلات اقتصادی کشورها، به‌ویژه کشورهای عقب‌افتاده و درمان آن‌ها، در گرو شناخت عوامل نهادی نظیر مذهب، آداب و رسوم، و قوانین و مقررات است؛ چرا که بنا به گفته نورث (۱۹۹۰)، از آنجایی که تغییر در نهادهای غیررسمی تدریجی و زمان‌بر است، تقلید قواعد و مقررات رسمی توسط یک کشور توسعه‌نیافته از یک کشور پیشرفته که نهادهای غیررسمی متفاوتی دارند، به عمیق‌تر شدن مشکلات و ناپهنجاری‌ها در تمام حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی منجر می‌گردد. از این‌رو، سیاستگذاران و حاکمان کشورها، به‌ویژه کشورهای توسعه‌نیافته، برای رفع نابسامانیهای اقتصادی باید از تقلید بی‌چون‌وچرای سیاست‌ها و برنامه‌های اجراشده در کشورهای دیگر دوری کنند و سعی در شناخت عوامل فرهنگی و نهادی عقب‌ماندگی کشور خود و بومی کردن سیاست‌ها داشته باشند.

این پژوهش به بررسی اثرهای کیفیت نهادی و نفرین منابع بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته در دوره زمانی ۲۰۱۶-۱۹۹۵ می‌پردازد. از آنجایی که شاخص کیفیت نهادی، نفرین منابع، و سرمایه انسانی نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی هر کشور از راه فراهم کردن شرایط اشتغال کامل، ثبات سطح عمومی قیمت‌ها (کنترل تورم)، و توزیع عادلانه درآمد ایفا می‌کند، در این پژوهش با استفاده از مدلی که بتواند بیش‌تر متغیرهای موثر بر رشد اقتصادی را شامل شود، سعی می‌کند که رابطه اثرهای کیفیت نهادی، نفرین منابع، و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی را

بررسی کند و در قالب رویکرد مدل‌های خطی گشتاورهای تعمیم‌یافته داده‌های ترکیبی پویا (GMM) بررسی و تحلیل کند.

بنابراین، ملاحظه‌های نظری حاکی از آن است که در اصل، وفور منابع طبیعی به گسترش امکانات تولیدی یک اقتصاد منجر می‌شود. از این‌رو، منابع طبیعی به‌طور ذاتی و طبق نظریه‌های اقتصادی نمی‌توانند مانع رشد اقتصادی شوند. بلکه وفور منابع طبیعی از راه کانال‌هایی مانند کاهش بلندمدت در رابطه مبادله، بیماری هلندی، فساد اداری، رانت‌جویی، و کاهش کیفیت نهادی موجب بروز برخی انحرافات در عملکرد اقتصادهای متکی بر منابع می‌شوند و در نتیجه، رشد اقتصادی آن‌ها را به‌طور منفی متأثر می‌سازد. همچنین، ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که چگونگی کیفیت نهادی کشورها در نحوه تاثیرگذاری (مثبت یا منفی) وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی نقش بسزایی دارد. به‌طوری که کشورهایی که دارای کیفیت نهادی ضعیف هستند، وفور منابع طبیعی آنان به‌خوبی مدیریت نمی‌شود و از این لحاظ موجب بلای طبیعی می‌شود. بنابراین، در کشورهایی که دارای کیفیت نهادی بالاتر هستند، وفور منابع تبدیل به نعمت می‌شود و به رشد اقتصادی آن‌ها کمک می‌کند. مروری بر نتایج به‌دست‌آمده، نشان می‌دهد که شاخص نفرین منابع برخلاف نظریه‌های اقتصاد نظری، در کشورهای درحال توسعه، به‌ویژه کشورهای نفتی، که درآمد آن‌ها به صورت اقتصاد تک‌محصولی و خام‌فروشی است باعث کاهش رشد اقتصادی و ایجاد سیاست‌های چرخه‌ای و در نهایت رکود تورمی می‌شود. ولی در کشورهای توسعه‌یافته گروه هفت این فرضیه رد می‌شود و پدیده نفرین منابع برای کشورهای توسعه‌یافته (گروه هفت) وجود ندارد.

بنابراین هرچند رابطه بین کیفیت نهادی و رشد اقتصادی به لحاظ نظری و تجربی مثبت است و نتایج پژوهش حاضر نیز آن را تایید می‌کند، اما وفور منابع طبیعی به‌طور غیرمستقیم از کانال کیفیت نهادی موجب کندی رشد اقتصادی می‌شود. این فرایند که نشانگر اثر غیرمستقیم وفور منابع از کانال کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی است، موجب می‌شود که ضعف کیفیت نهادی در یک چرخه باطل سبب کندی هرچه بیش‌تر رشد اقتصادی در این کشورها شود. به عبارت دیگر، در اقتصادهای نفتی، درآمد حاصل از صادرات منابع طبیعی اغلب به‌جای این‌که صرف حمایت از رشد و توسعه اقتصادی شود، در فرایندها و مدیریت نامناسب به هدر می‌رود و توان استفاده موثر را از فرصت برخوردار از وفور منابع طبیعی تضعیف می‌کند.

نتایج تجربی پژوهش دلالت بر این دارد که وفور منابع طبیعی در اقتصادهای نفتی به‌دتر شدن کیفیت نهادی منجر می‌شود و از این طریق باعث کندی رشد اقتصادی این کشورها می‌شود.

در این کشورها نه تنها درآمدهای نفتی به افزایش رشد اقتصادی منجر نمی‌شود، بلکه با آسیب زدن به شاخص‌های کیفیت نهادی، رشد اقتصادی را کند می‌کند. ضرایب مربوط به متغیرهای تقاطعی کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی نیز این نتیجه‌گیری را به خوبی تایید می‌کنند. زیرا علامت منفی این ضرایب به این معناست که در این گروه از کشورها به دلیل ضعیف بودن سطح کیفیت نهادی، وفور منابع طبیعی به خوبی مدیریت نمی‌شود و استفاده درست از درآمدهای ناشی از صدور منابع طبیعی به عمل نمی‌آید و به همین جهت، وفور منابع طبیعی به سطح پایین کیفیت نهادی منجر می‌شود. این عوامل در مجموع سبب می‌شوند که وفور منابع طبیعی بالای این کشورها شود و در رشد اقتصادی این کشورها اثر منفی از خود برجای بگذارد. در واقع، در کشورهای نفتی وجود کیفیت نهادی ضعیف باعث می‌شود که نه تنها برخورد صحیح و کارآمد با درآمدهای حاصل از صدور منابع طبیعی صورت نگیرد، بلکه بر بروز این مشکل (تضعیف کیفیت نهادی) می‌افزاید و از این کانال رشد اقتصادی را به طور معناداری کاهش می‌دهد. از آنجا که توأم بودن وفور منابع با ضعف کیفیت نهادی در یک چرخه باطل سبب کندی هرچه بیش‌تر رشد اقتصادی می‌شود؛ و این پدیده از یک سو به نبود تدبیر مناسب در نحوه هزینه‌کرد و جذب درآمدهای حاصل از صدور منابع طبیعی از جمله نفت خام مرتبط می‌شود و از سوی دیگر ناشی از ضعف کیفیت نهادی است، بنابراین حلقه مفقوده محقق نشدن نرخ‌های رشد اقتصادی بالاتر و پایدارتر در این جوامع، برخلاف وفور منابع طبیعی، باید در نحوه برخورد با درآمدهای حاصل از فروش منابع و مدیریت آن جستجو شود. در این راستا، طبق نتایج این پژوهش، توصیه سیاستی مهم آن، اصلاح الگوی مدیریت درآمدهای ناشی از فروش منابع سرشار طبیعی برای بهبود و ارتقای کیفیت نهادی است، که این امر می‌تواند یکی از راهبردهای مناسب برای شکستن چرخه باطل و به طور تعادلی در یک فرایند دوسویه، موجب افزایش و پایداری رشد اقتصادی تلقی شود. در کنار اصلاح الگوی مدیریت درآمدهای منابع طبیعی، ارتقای کیفیت نهادی از کانال‌های دیگر نیز می‌تواند در تسریع رشد اقتصادی موثر واقع شود. بنابراین در بخش پایانی پژوهش، با توجه به چارچوب نظری و یافته‌های تجربی پژوهش، پیشنهادهای اجرایی و پژوهشی به شرح زیر ارائه می‌شوند:

در جهت ارتقای کیفیت نهادی در کشورهای در حال توسعه (گروه D8) پیشنهاد می‌شود که موجودی سرمایه فیزیکی در سطحی نزدیک به کشورهایی با درآمدهای بالا قرار گیرد و در مقابل، موجودی سرمایه انسانی در سطحی به مراتب پایین‌تر از آن‌ها، از این رو، لازم است منابع سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی به سمت سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی انتقال یابد و در جهت ارتقای موجودی سرمایه انسانی برحسب مهارت‌های شناختی کسب‌شده در نظام آموزشی در سطح پایینی قرار گیرد.

برای ارتقای عملکرد اقتصادی لازم است برنامه‌های آموزشی با رویکرد نیل به سطوح بالای یادگیری در حوزه شناختی، یعنی ایجاد توانایی حل مسئله و ارتقای خلاقیت تقویت شوند. و در نهایت پیشنهاد می‌گردد که سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و انسانی در صورتی به بهبود عملکرد اقتصادی منجر می‌شوند که چارچوب نهادهای اقتصادی موجود، مشوق تولید و نه رانت‌جویی باشد. از این رو نیاز است که حاکمیت قانون، به‌ویژه قوانین مربوط به حقوق مالکیت، به‌روشنی تعریف شود و به قوت اجرا شود تا هزینه‌های بالای مبادله در ایران، که در بسیاری از موارد ریشه در دیوان‌سالاری ناکارآمد دولتی دارد، کاهش یابد. این دیوان‌سالاری باید در جهت تسهیل فعالیت‌های اقتصادی مولد اصلاح شوند. در نهایت، باید توجه داشت که پژوهش در این زمینه با محدودیت‌هایی همراه است که می‌توان به درجه اعتبار داده‌های مربوطه اشاره کرد. چرا که نهادها مجموعه‌ای کیفی هستند که برای وارد کردن به تحلیل‌های اقتصادی نیازمند کمی شدن هستند و در این زمینه، موسسه‌های مختلفی در سطح بین‌المللی فعالیت دارند. آن‌چه که به عنوان پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده می‌توان بیان کرد، پژوهش در حوزه مبانی نظری اقتصاد نهادگرا، شناخت مفهوم و جایگاه نهادها در زندگی روزمره بشر، اقدام به شاخص‌سازی نهادی در کشور، جمع‌آوری آمار و اطلاعات مورد نیاز در این زمینه، و تحلیل اثر هر یک از شاخص‌های حکمرانی مانند فساد، حاکمیت قانون، و ثبات سیاسی به‌طور جداگانه بر عملکرد اقتصادی است.

منابع

الف) فارسی

- خیرخواهان، جعفر، و برادران شرکا، حمیدرضا (۱۳۸۲). رونق نفتی و نرخ پس‌انداز در کشورهای اوپک. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۵(۱۶)، ۱۰۱-۱۳۲.
- دادگر، یداله (۱۳۸۶). نقش قضیه Coase و هزینه مبادله در تحولات جدید اقتصادی. نامه مفید قم، ۱۳(۶۰)، ۸۱-۱۱۴.
- عبادی، جعفر، و نیکونستی، علی (۱۳۹۱). منابع طبیعی، نهادها، رشد اقتصادی. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۷(۴)، ۱۲۷-۱۴۴.
- مبارک، اصغر و آذریپوند، زیبا (۱۳۸۸). نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۹(۳۶)، ۱۷۹-۲۰۸.
- متوسلی، محمود، و نیکوبستی، علی (۱۳۹۰). تغییر نهادی. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۶(۳)، پیاپی ۱۱۴، ۵۱-۶۸.

ویلیامسون، الیور ای. (۱۳۸۱). اقتصاد نهادگرایی جدید: دستاوردهای گذشته و نگاهی به فرارو. ترجمه محمود متوسلی، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۷(۱)، ۳-۴۱.

امامی میدی، علی؛ محمدزاده، یوسف، و مجیدی، سیدیا سر (۱۳۹۰)، ارزیابی نقش سرمایه انسانی و کیفیت نهادها بر روی پدیده بلای منابع با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM). پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۱۱(۱)، ۳۱-۱.

ب) انگلیسی

- Acemoglu, D., Gallego, F.A. & Robinson, J.A. (2014). Institution, Human Capital and Development. Instituto de Economia. Pontificia Universidad Católica de Chile, Working Paper, 449.
- Acemoglu, D., Garcia-Jimeno, C. & Robinson, J.A. (2012). Finding El Dorado: Slavery and Long-Run Development in Colombia. *Journal of Comparative Economics*, 40(4), 534-564.
- Acemoglu, D., Garcia-Jimeno, C. & Robinson, J.A. (2013). State Capacity and Development: A Network Approach. *NBER, Working Paper*, 19813.
- Atkinson, G., & Hamilton, K. (2003). Savings, Growth and the Resource Curse Hypothesis. *World Development*, 31(11), 1793-1807.
- Barro, R. J., & Sala-i-Martin, X. (1995). *Economic Growth* McGraw-Hill. New York.
- Barro, R. J., & Lee, J.-W. (2010). A New Data Set of Educational Attainment in the World, 1950-2010. *NBER National Bureau of Economic Research*. Working Paper, 15902
- Bravo-Ortega, C., & De Gregorio, J. (2005). *The Relative Richness of the Poor? Natural Resources, Human Capital, and Economic Growth*: The World Bank.
- Bulte, E. H., Damania, R., & Deacon, R. T. (2005). Resource Intensity, Institutions, and Development. *World Development*, 33(7), 1029-1044.
- Costantini, V., & Monni, S. (2008). Environment, Human Development and Economic Growth. *Ecological Economics*, 64(4), 867-880.
- De Jong, E. (2011). Culture, Institutions and Economic Growth. *Journal of Institutional Economics*, 7(4), 523-527.
- Gwartney, J., Lawson, R., & Hall, J. (2012). Economic Freedom Dataset, Published in Economic Freedom of the World: 2012 Annual Report. *Fraser Institute*.
- Gylfason, T. (2001). Natural Resources, Education, and Economic Development. *European Economic Review*, 45(4-6), 847-859.
- Hall, R. E., & Jones, C. I. (1999). Why Do Some Countries Produce So Much More Output Per Worker Than Others? *The Quarterly Journal of Economics*, 114(1), 83-116.
- Kadilli, A., & Markov, N. (2012). A Panel Smooth Transition Regression Model for the Determinants of Credibility in the ECB and the Recent Financial Crisis. *Working Papers*. University of Geneva, 11092.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2009). *Governance Matters VIII: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2008*: The World Bank.

- Mankiw, N. G., Romer, D., & Weil, D. N. (1992). A Contribution to the Empirics of Economic Growth. *The Quarterly Journal of Economics*, 107(2), 407-437.
- Mehlum, H., Moene, K., & Torvik, R. (2006). Institutions and the Resource Curse. *The Economic Journal*, 116(508), 1-20.
- North, D. C. (1990). *The Path of Institutional Change*, North, DC (Hrsg.), Institutions, Institutional Change and Economic Performance: Cambridge: Cambridge University Press.
- Papyrakis, E., & Gerlagh, R. (2004). The Resource Curse Hypothesis and its Transmission Channels. *Journal of Comparative Economics*, 32(1), 181-193.
- Piplica, D. (2011). Corruption and Inflation in Transition EU Member Countries. *Ekonomiska Misao I Praksa*, 2(1), 469-506.
- Rodrik, D., Subramanian, A., & Trebbi, F. (2014). Institutions Rule: The Primacy of Institutions over Geography and Integration in Economic Development. *Journal of Economic Growth*, 9(2), 131-165.
- Ross, M. (1999). The Political Economy of the Resource Curse. *World Politics*, 51(2), 297-322.
- Sachs, J. D., & Warner, A. (1999b). Natural Resource Intensity and Economic Growth. *Development Policies in Natural Resource Economies* (13-38).
- Sachs, J. D., & Warner, A. M. (1999a). The Big Push, Natural Resource Booms and Growth. *Journal of Development Economics*, 59(1), 43-76.
- Sachs, J., & Warner, E. (1995). Economic Convergence and Economic Policy. *Voprosy ekonomiki*, 1(5), 13-38.
- Sachs, J.-W., & Warner, A. (1997). Natural Resource Abundance and Economic Growth. *Center for International Development and Harvard Institute for International Development. Harvard University. Cambridge MA.*
- Solow, R. M. (1956). A Contribution to the Theory of Economic Growth. *The Quarterly Journal of Economics*, 70(1), 65-94.
- Stijns, J.-P. (2006). Natural Resource Abundance and Human Capital Accumulation. *World Development*, 34(6), 1060-1083.
- Yang, K.-H. (2010). *Human Development and Government Effectiveness*. Georgetown University.
- Zeneli, V. (2014). The Role of Institutions and Good Governance for Attracting Foreign Direct Investments: Evidence from Southeast Europe. *Business and Economics Journal*, 5(2), 1-20.
- Zhuang, J., de Dios, E., & Lagman-Martin, A. (2010). Governance and Institutional Quality and the Links with Economic Growth and Income Inequality: With Special Reference to Developing Asia. *ADB Economics Working Paper Series*, 193.

The Effects of Institutional Environment Quality and Abundance of Natural Resources on Economic Growth

Asghar Mobarak¹

Kambiz Hojabr Kiani²

Abbas Memarnejad³

Kambiz Peykarjou⁴

| k-kiani@srbiau.ac.ir

| memarnejad@srbiau.ac.ir

| k.peykarjou@srbiau.ac.ir

Abstract In recent years, the factors that influence economic growth have traversed beyond the set of factors that are proposed in conventional growth theories; namely, institutional factors have been considered by researchers. Why some countries are moving toward rich countries in terms of economic performance is a question that has long occupied the minds of economists, and the answer to this question is fundamental as to the formation of economic growth patterns. In this study, based on the division of countries in terms of development, it has been examined as to which of the institutional variables have the highest priority in influencing economic growth. To this end, using a dynamic system data approach, the resource curse phenomenon in the studied countries is first studied and then analyzed using variables such as variables of the institutional environment, human capital, and other control variables affecting economic growth. In this study, two groups of (developing and developed) countries have been studied, which are estimated and analyzed for the period 1995-2016-. Analysis of research coefficients shows that the resource curse phenomenon is existent in the developing countries but not in developed countries. On the other hand, the analysis of the results of the coefficients of the variables of different models show that the weak institutional qualities and the low level of development of human capital have led to the intensification of the resource curse in the countries in question.

Keywords: Institutional Environment, Resource Curse, Human Capital, Economic Growth, Capital Inventory, Good Governance.

JEL Classification: C330, O130, Q380.

1. Ph.D. Student of Economic, Department of Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.